

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

نظریه محقق نائینی(ره) در تفصیل بین صحت واقعی و ظاهریه

عرض کردیم که یکی از اقوالی که در مسئله وجود دارد، این است که بین صحت واقعی و ظاهریه باید تفصیل داد. این نظریه را مرحوم محقق نائینی(ره)(اجود التقريرات، جلد 2، صفحه 209) آورده‌اند که، صحت واقعی مجعول نیست، اما صحت ظاهریه مجعول است. مقصود ایشان از صحت واقعی، جایی است که مأمور به، عنوان مأمور به واقعی اولی دارد، یا مأمور به، واقعی ثانوی هست.

اگر کسی عملش مطابق با یکی از این دو عنوان بود، این عمل صحیح می‌شود و از این صحت، به صحت واقعی تعبیر می‌کنند. مقصود و مراد از صحت، انطباق مأمور به بر ماتی به است، یعنی اگر این عمل خارجی، بر مأمور به واقعی یا امر واقعی ثانوی انطباق پیدا کرد، از این انطباق، تعبیر به صحت می‌کنیم.

در نتیجه مراد از صحت، انطباق و مراد از فساد، عدم انطباق است و ضمیمه فرموده‌اند به این مطلب که: انطباق و عدم انطباق يك امر قهري یا عقلي یا واقعی است و يك عنوان انتزاعي نیست. همانطوری که انطباق کلی بر فرد، عنوان واقعی دارد، انطباق مأمور به به امر اولی، بر این ماتی به هم يك امر واقعی و تکوینی است و عنوان جعلی ندارد.

اما فرموده‌اند: در جایی که صحت، صحت ظاهریه است، مقصودشان این است که، عملی را که انسان مطابق اماره یا اصلی مثل استصحاب یا پرائت انجام داده و بعداً کشف خلاف می‌شود، می‌گوییم: آن عملی که مطابق اماره یا اصل بوده مجزی و صحیح است، از صحت در این عمل که مأمور به، مأمور به ظاهری است، به صحت ظاهریه تعبیر می‌کنند.

در صحت ظاهریه هم معنای صحت با صحت در صحت واقعی فرق ندارد و در اینجا هم مقصود از صحت، انطباق و مقصود از عدم صحت، عدم انطباق است. صحت یعنی این مأمور به به امر ظاهری، بر این عمل خارجی انطباق پیدا کند.

پس صحت در صحت ظاهریه، معنایی مغایر با صحت در صحت واقعی ندارد و اساساً صحت را مرحوم نائینی(ره) به انطباق و عدم انطباق تفسیر می‌کنند، لکن در صحت واقعی انطباق، امری قهري و واقعی است، اما در صحت ظاهریه انطباق امری تعبدي است، یعنی کسی که عملش را مطابق استصحاب یا مطابق اماره انجام داده، شارع وی را متعبد به انطباق مأمور به ظاهری بر این معطی به می‌کند، یعنی این انطباق را شارع کافی می‌داند. لذا صحت ظاهریه يك صحت جعلی است.

پس خلاصه فرمایش نائینی(ره) این شد که، باید بین صحت واقعی و ظاهریه فرق بگذاریم، صحت واقعی، عنوان مجعول شرعی ندارد، اما صحت ظاهریه، عنوان مجعول شرعی دارد.

نظریه محقق خوئی(ره) در این باره

محقق خوئی(قدس سره)(محاضرات، جلد 5، صفحه 9) فرموده‌اند که: در دوره‌های سابق اصولمان، همین نظریه استادمان را تقویت کرده و پذیرفته بودیم که، باید بین صحت واقعی و ظاهریه فرق بگذاریم، منتهی با این توضیح که در باب عبادات،

نمی‌توانیم عبادتی را به لحاظ مقام جعل و تشریع، متصف به صحت یا فساد کنیم. زمان که مکلف امتثال را در عالم خارج انجام می‌دهد، می‌گوییم: «هذا عملٌ صحيحٌ یا هذا عملٌ فاسدٌ»، می‌گوییم: صحیح است، برای این که صلاه مأمور به واقعی، بر این عمل خارجی انطباق پیدا می‌کند و صحت را از همین عمل خارجی انتزاع می‌کنیم. بعد فرموده‌اند: انطباق طبیعی در خارج يك امر تکوینی است و در این فرقی بین ماهیات جعلیه شرعیه، مثل صلاه که، يك ماهیت مختصره شرعیه است و بین ماهیات غیرجعلی، مثل ماهیت انسان نیست. وقتی کلی بر فرد انطباق پیدا می‌کند، در این انطباق، يد جاعل و شارع، چه در ماهیات شرعیه و چه غیرشرعیه نمی‌تواند دخالت داشته باشد. بعد فرموده‌اند: در معاملات هم همینطور است، يك معامله هم به لحاظ مقام جعل و تشریع، متصف به صحت و فساد نمی‌شود، بلکه آن هم به انطباق و عدم انطباق مربوط است، شارع بیع کلی را، با «[احل الله البيع](#)» امضاء فرموده، این بیع کلی وقتی بر این فرد خارجی انطباق پیدا کرد، می‌گوییم: این بیع موجود در خارج صحیح است.

خلاصه و تلمه‌ای از کلام مرحوم نائینی(ره)

مرحوم نائینی(ره) فرموده‌اند: صحت یعنی انطباق، عدم صحت و فساد یعنی عدم الانطباق، این مطلب اول ایشان که در این تفسیر، بین صحت واقعی و ظاهری فرقی نیست. دوم، اینکه صحت واقعی جایی است که، ماتی به مطابق با مأمور به اولی یا مأمور به ثانوی هست، اما صحت ظاهری جایی است که، ماتی به و فعل خارجی، مطابق با مأمور به ظاهری است. بعد می‌گوییم: چرا با اینکه صحت واقعی و ظاهری را دو معنا نمی‌کنید، صحت واقعی مجعول نیست، اما صحت ظاهریه مجعول است؟ فرموده: انطباق در موارد صحت واقعی، امری تکوینی و واقعی است، یعنی همانطوری که انسان در عالم خارج، فردی برای انسان و حیوان الناطق است و انطباق انسان بر این فرد، انطباقی قهری است، در موارد صحت واقعی هم، انطباق عنوانی تکوینی و واقعی دارد. اما در موارد صحت ظاهریه اینطور نیست و شارع ما را متعبد به این انطباق می‌کند. فرق بین صحت واقعی و ظاهریه در همین است که، در صحت واقعی به نظر ایشان، انطباق تکوینی است، اما در صحت ظاهریه انطباق تعبدی است. لذا صحت واقعی جعلی نیست، اما صحت ظاهریه جعلی می‌شود. بعد در آخر هم – که باید این قسمت را هم قبل از فرمایش مرحوم آقای خوئی(ره) بیان می‌کردیم – فرموده‌اند: صحت ظاهریه، برزخی بین احکام ظاهریه و احکام واقعی و حد وسطی و بین اینهاست. از يك طرف صحت ظاهریه ملاک حکم ظاهری دارد، یعنی در موضوعش، شك در حکم واقعی اخذ شده‌است و از این جهت عملی را که انجام می‌دهید، به منزله این است که، مأمور به واقعی اولی را آوردید، ملاک حکم واقعی را دارد. لذا فرموده‌اند: صحت ظاهریه «برزخ یا وسط» یعنی حد وسط بین حکم ظاهری و حکم واقعی است.

تلمه‌ی نظریه محقق خوئی(ره) در این باره

کلام مرحوم آقای خوئی(ره) را نقل می‌کردیم که فرمودند: در دوره‌های سابق همین نظریه استادمان را داشتیم و بعد در توضیحش بیان کرده‌اند که، چه در عبادات و چه در معاملات، اگر انطباق باشد، صحت هست، انطباق نباشد، صحت نیست و فساد هست.

منتهی فرموده‌اند: صحت ظاهریه مجعول است، برای اینکه شارع حکم به انطباق می‌کند، اگر شارع حکم به انطباق، یا به آن تعبیر قبلی، ما را متعبد به انطباق نمی‌کرد، این محکوم به بطلان بود.

اما در این دوره اخیر – که دوره‌ای بوده که همین کتاب محاضرات نوشته و تقریر شده – فرموده‌اند: ما از آن نظر استادمان مرحوم نائینی(ره) برگشتیم و نظرمان این است که، باید بین عبادات و معاملات تفصیل داد؛ صحت در باب عبادات به طور کلی غیرمجمعول است، اما در باب معاملات مجعول است.

خوب این هم نظریه ایشان است که دلیل این مدعایشان را هم بیان می‌کنیم.

نقد و بررسی نظریه مرحوم نائینی(ره)

اول کلام مرحوم نائینی(ره) را تحلیل کنیم که، آیا نظریه درستی است؟ آیا می‌توانیم بگوییم که: بین صحت واقعی و صحت ظاهریه فرق وجود دارد که، صحت واقعی يك امر واقعی است و جعلی نیست، اما صحت ظاهریه عنوان جعلی دارد؟ در کلمات بعضی از بزرگان، اشکالاتی به مرحوم نائینی (ره) شده‌است.

اشکال اول بر نظریه مرحوم نائینی (ره) و نقد آن

اولین اشکال این است که، شما برای صحت، معنایی غیر از آن معنایی که اصولیین دارند، کرده‌اید. مرحوم آخوند(ره) و کثیری صحت را به معنای تمامیت العمل معنا کرده‌اند، اما شما به انطباق و عدم انطباق معنا کردید. خوب این اشکال جوابش روشن است و بر مرحوم نائینی(ره) وارد نیست، برای اینکه آنچه را که مرحوم آخوند(ره) معنا می‌کند، مفهوم صحت است، اما ظاهراً در اینجا مرحوم نائینی(ره) در مقام بیان مفهوم صحت نیست، بلکه ملاک و حقیقت صحت را می‌خواهد بیان کند، یعنی کجا عملی را می‌توانیم بگوییم: صحیح است و کجا نمی‌توانیم بگوییم: صحیح است. به عبارت اخیری بین مفهوم صحت و واقع صحت در این اشکال بر مرحوم نائینی(ره) خلط شده‌است.

اشکال دوم بر نظریه مرحوم نائینی(ره)

اشکال دومی که مطرح کرده‌اند این است که، در امر واقعی ثانوی که، از آن به اوامر اضطراریه تعبیر می‌کنیم، ایشان فرموده: آنجا هم مثل اوامر واقعیه اولیه صحت مجعول نیست، بلکه يك امر واقعی است. دلیل مرحوم نائینی(ره) این است که، در مامور به اضطراری که مولا گفته: «فلم تجدوا ماء فتیمموا سعیداً طیباً»، امر اضطراری معنایش این است که، مولا از آن قید در امر واقعی اولی صرف نظر می‌کند و الا، اگر قید طهارت مائیه، در مطلوب مولا دخالت داشته باشد، محال است که مولا امر اضطراری را مطرح کند. مطرح کردن امر اضطراری معنایش این است که، مطلوب مولا بدون آن قید هم تحقق پیدا می‌کند، یعنی همانطوری که در مامور به اولی، مطلوب کاملاً بر این فعل خارجی منطبق است، در مامور به اضطراری هم مطلوب و مقصود مولا، قهراً بر این فعل خارجی منطبق است. پس در موارد اضطراری هم جعلی نداریم. اشکالی که بر این قسمت فرمایش نائینی(ره) شده این است که، این مطلب به صورت کلی درست نیست، بعضی موارد داریم که، مقتضی برای اجزاء وجود ندارد، اما مع ذلك شارع حکم به اجزاء می‌کند. مثلاً در باب نماز، نماز قائم داریم، قاعد داریم، تا می‌رسد به نمازی که با اشاره محقق می‌شود که، این نماز با اشاره، مامور به اضطراری است، عرفاً در آن مقتضی اجزاء وجود ندارد، نمازی چهار رکعتی با آن اجزاء و شرائط و انکار و خصوصیات را بگوییم: اشاره جای آن می‌نشیند، پس مقتضی اجزاء در آن نیست، مع ذلك شارع حکم به اجزاء کرده‌است. پس خلاصه اشکال بر نائینی(ره) این شد که در مامور به اضطراری اگر مقتضی کامل برای اجزاء باشد، انطباق قهری می‌شود، مثل مامور به اولی، در حالیکه مواردی را داریم که، مقتضی برای اجزاء نیست و شارع حکم به اجزاء کرده، مثل همین موردی که مثال زدیم و این اشکال بر مرحوم نائینی(ره) وارد است.

اشکال سوم بر نظریه مرحوم نائینی(ره) و نقد آن

اشکال سوم این است که فرموده‌اید: در صحت ظاهریه شارع ما را متعبد به انطباق می‌کند، اشکال این است که متعلق تعبد

باید، یا يك امر شرعي باشد و یا موضوعي که داراي اثر شرعي است، بالاخره در متعلق تعبد باید قابلیت تعبد به آن باشد. شارع مي‌تواند ما را متعبد کند که این نماز صحيح است، متعبد کند به اینکه اگر قرائت را نیاوردي، به منزله این است که آوردی، متعبد کند به اینکه کثیر الشک مثل کسی است که شک ندارد، اینها قابلیت تعبد دارد. اما در انطباق که یا علل و مقدماتش محقق است یا نیست، شارع بخواهد ما را متعبد به انطباق کند، این معنا ندارد، انطباق، خودش امر جعلي شرعي یا موضوعي که داراي اثر شرعي باشد نیست.

این اشکال هم وارد نیست، برای اینکه درست است که، انطباق مجعول شرعي نیست، اما موضوع برای اثر شرعي است. اگر مامور به ظاهري، بر این ماتی به انطباق پیدا کرد، عدم الاعاده و القضاء نتیجه مي‌شود. این موضوع است و تعبد در اینجا معنا دارد.

اشکال چهارم بر نظریه مرحوم نائینی(ره)

اشکال چهارم، اشکال به مطلب آخر مرحوم نائینی(ره) است که فرموده‌است: صحت ظاهریه عنوان حد وسط دارد. اصلاً معنا ندارد که بگوییم: چیزی برزخ بین حکم ظاهري و حکم واقعي است، اگر ملاک حکم واقعي باشد، مي‌گوییم: «حکم واقعي»، اگر ملاک حکم ظاهري باشد، مي‌گوییم: «حکم ظاهري»، چیزی که برزخ بین این دو باشد، معنا ندارد. امام(رضوان الله علیه) برای رد نظریه نائینی(ره) يك سطر مختصر فرموده‌اند: اصلاً صحت ظاهریه معنا ندارد، اینکه بگوییم: صحت ظاهریه‌اي در مقابل صحت واقعی داریم، معنا ندارد.

مرحوم نائینی(ره) صحت ظاهریه را معنا کرده به این که مامور به ظاهري بر عمل انطباق پیدا کند، خوب شارع اگر بخواهد در اینجا حکم به صحت کند، این دیگر حکم واقعي است، درست است که مامور به ظاهري در اینجا بر ماتی به انطباق پیدا کرده، اما بعد از این انطباق بخواهیم صحت را انتزاع کنیم، این صحت يك حکم واقعي مي‌شود.

این اشکالاتی بود که بر مرحوم نائینی(ره) ذکر شده که ملاحظه فرمودید که، بعضی از این اشکالات وارد و بعضی وارد نیست.

حالا کلمات مرحوم آقای خوئی(قدس سره) را هم ببینید، ایشان وقتی کلام مرحوم نائینی(ره) را بیان کرده، فرموده: ما در دوره‌هاي قبل این نظریه را پذیرفتیم، اما در این دوره نظریه دیگری داریم، بیان ایشان را هم ببینید که فردا این بحث را جمع‌بندی کنیم و بالاخره ببینیم نتیجه نهایی چه مي‌شود؟ آیا این تفسیر مرحوم نائینی(ره) را باید قبول کرد یا کلام مرحوم آخوند خراسانی(ره) را؟

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين